

مسکن و محیط زیست

شماره ۱۵۳ ♦ بهار ۹۵

# موانع مشارکت روستائیان در طرح‌های هادی روستایی

## شهرستان همدان

احمد یعقوبی فرانی \*، مهسا معتقد \*\*

۱۳۹۳/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۱۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مهم‌ترین موانع مشارکت مردم در طرح هادی روستایی در شهرستان همدان به شیوه تحقیقات پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را روستائیان ساکن در روستاهای بخش مرکزی شهرستان همدان که در آن‌ها طرح هادی به مرحله اجرا در آمده است، تشکیل دادند. از بین آن‌ها تعداد ۱۲۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه و به شیوه انتساب مناسب، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر بود که روابی آن توسط متخصصان فن مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که رقم ۰/۸۵ به دست آمد. با بهره‌گیری از تکیک تحلیل عاملی، موانع مشارکت مردم در طرح هادی روستایی در شهرستان همدان در چهار گروه دسته‌بندی شد. «نادیده گرفتن توانمندی‌های مردم» اولین عامل با بیشترین تأثیر بود که در حدود ۱۶ درصد از واریانس تغییرات موانع مشارکت مردم را تبیین می‌نماید. «ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه مردم»، «ضعف عملکرد نهادهای مجری طرح» و «نارضایتی مردم از طرح هادی» دیگر عواملی بودند که بر مبنای نظرات روستائیان، به عنوان بازدارنده‌های مشارکت مردم در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی عمل می‌نمایند. در مجموع عوامل مذکور ۴۲/۳ درصد از تغییرات واریانس متغیرهای مربوط به موانع مشارکت مردم در طرح‌های هادی روستایی را تبیین می‌نمایند. در این مقاله بر مبنای نتایج به دست آمده، توصیه‌هایی برای تقویت زمینه‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، مشارکت، موانع مشارکت، طرح هادی.

\* استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعالی سینا. amyaghoubi@yahoo.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه بوعالی سینا.

## مقدمه

بهسازی و طرح هادی روستایی متمرکز شده است. در این بین طرح هادی روستایی به عنوان یکی از طرح‌های توسعه فیزیکی روستا به دلیل برخورداری از سابقه نسبتاً طولانی در کشور، وسعت و گستره مکانی آن در سطح روستاهای کشور و از سویی پذیرش نسبتاً خوب آن از سوی مردم به عنوان طرحی که ارتباط مستقیم با فضای زندگی مردم و اجتماعات محلی دارد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۷۰) در بین سایر برنامه‌های توسعه روستایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و ضروری است ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر موفقیت آن مورد مذاقه قرار گیرد. وجود این ویژگی‌ها در طرح هادی و از سویی تأثیر دستاوردها و نتایج این طرح بر بهبود شرایط و کیفیت زندگی مردم روستایی و به تبع آن ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم، این طرح را از حیث ظرفیت برای جلب مشارکت مردم برجسته می‌سازد. با این حال بر مبنای برخی مطالعات انجام شده (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲) اغلب طرح‌های توسعه روستایی از جمله طرح هادی روستایی با مشارکت نسبتاً ضعیف مردم روستایی در مراحل اجرای طرح روپرتو بوده، که طبیعی است تداوم این وضعیت افق روشنی را برای پیشبرد و توسعه طرح‌های عمران روستایی در کشور نشان نمی‌دهد. همچنین در مطالعه مشابهی با بررسی نتایج اثرات اجرای طرح‌های بهسازی، مواردی از عدم موفقیت این طرح‌ها و به درازا کشیده شدن روند اجرای آن به دلیل محدود بودن مشارکت مردم مشخص شده است (شارع پور، ۱۳۷۲: ۱۵). بر همین اساس در تحقیق حاضر با درک حساسیت و اهمیت مقوله مشارکت مردم به عنوان یکی از الزامات پایداری طرح‌های توسعه‌ای، موضوع جلب مشارکت مردم در مراحل مختلف اجرای طرح‌های هادی روستایی به عنوان یکی از دلگذگه‌های ذهنی مجریان و برنامه‌ریزان این طرح مطمح نظر قرار گرفته و شناسایی مهم ترین موانع

تجربه طرح‌های موفق توسعه و عمران روستایی بیانگر نقش مؤثر مشارکت مردم در پایداری این‌گونه طرح‌ها و ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکت مردمی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی طرح‌های توسعه‌ای است. بر همین مبنای امروزه یکی از اهداف و در عین حال ابزارهای عمله برنامه‌های توسعه روستایی را مشارکت مردم در ابعاد گوناگون اقتصادی و اجتماعی می‌دانند. مشارکت حالتی است که افراد به طور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون هیچ‌گونه اجباری در برنامه‌ها یا پروژه‌ها شرکت نموده و این همکاری از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا، نظارت و ارزشیابی برنامه‌ها تداوم دارد و به طور مستمر جریان پیدا می‌کند (عامری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). امروزه با توسعه توانمندی‌های مردم و ظرفیت‌های انسانی در محیط‌های روستایی، موضوع مشارکت مردم روستایی به عنوان کلیدی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف عمران روستایی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، طبیعی است هرچه تردد مردم جامعه مشارکت بیشتر فراهم می‌شود و اقسام مختلف جامعه از نتایج مشارکت و فواید حاصل از برنامه‌های توسعه و عمران روستایی بهره‌مند می‌شوند (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰: ۱۵).

تحقيق اهداف توسعه روستایی ممکن است با رویکردها یا راهبردهای مختلفی در کشورهای مختلف دنبال شود، اما یکی از راهبردهای غالب، توجه به توسعه زیرساختی و کالبدی است. با توجه به تفکراتی که در خصوص ساماندهی فضایی و نظام سکونتگاهی وجود دارد، مدت زمانی است که بخش عمده‌ای از برنامه‌های توسعه روستایی در کشور بر اجرای طرح‌های عمرانی نظیر طرح

رفاهی در سطح بسیار پایین قرار دارند، نمی‌توان انتظاری جهت همکاری و مشارکت اقتصادی آن‌ها در طرح‌های توسعه داشت. همچنین نبود ساختار سازمانی مناسب برای تشویق و تقویت روستائیان برای مشارکت مؤثر در طرح‌های عمرانی روستایی یکی دیگر از موانع تحقق مشارکت روستائیان است. بر مبنای یافته کارمن (۲۰۰۳)، از عملدهترین موانع موجود بر سر راه توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی، نادیده گرفتن توانایی‌های بالای روستائیان در زمینه‌های مختلف است. در واقع به جای اینکه روستائیان به عنوان عوامل اصلی توسعه روستایی مطرح گردد، به دریافت کنندگان منفعل فکر و خدمات تبدیل شده‌اند و در گردونه نظام پیچیده بوروکراسی (دیوان‌سالاری) دولتی گرفتار آمده‌اند. عظیمی و جمشیدیان (۱۳۸۴)، در مطالعات خود دریافتند که یکی از دلایل عدم مشارکت روستائیان در اجرای طرح‌های عمرانی، کمبود سرمایه فرهنگی می‌باشد. سرمایه فرهنگی را می‌توان مجموعه آداب و رسوم، اعتقادات و بهویژه نگرش‌های مردم دانست. در خصوص مردم ساکن در روستا، مشکل عده نبود نگرش مناسب برای اجرای طرح‌های عمرانی است. نگرش از سه عنصر شناختی، عاطفی و عملی تشکیل می‌شود. در بعد شناختی، اکثر مردم از اطلاعات کافی برخوردار نیستند، در بعد عاطفی اکثراً اطمینان و اعتماد کافی ندارند و لذا در بعد عملی، مشارکت در اجرای طرح‌ها از سوی مردم نمایان نمی‌گردد. لانگ و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیقی به بررسی ارزیابی توسعه کالبدی در مناطق روستایی چین پرداخته‌اند که نتایج تحقیق نشان داد از جمله مهم‌ترین مشکلات و موانع اجرای طرح‌های توسعه کالبدی-فیزیکی ضعف در سیاستگذاری دولتی، عدم مشارکت روستائیان و نبود انگیزه‌های کافی برای توسعه عمرانی روستاهای، می‌باشد. براساس یافته‌های عناستانی و اکبری

و بازدارنده‌های مشارکت مؤثر مردم روستایی شهرستان همدان در مراحل مختلف اجرای این طرح به عنوان مسئله اصلی تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

#### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه و ماهیت عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آن، یکی از موضوعاتی است که در طی دهه‌های گذشته محل بحث و نظریه‌پردازی محققان علوم اجتماعی بوده و بخش عمده‌ای از پژوهش‌های این حوزه از علوم را به خود اختصاص داده است. به مرور و با گسترش برنامه‌های عمران و توسعه روستایی، موضوع مشارکت مردم روستایی نیز در کانون توجه محققان توسعه روستایی قرار گرفت که نتیجه آن حجم زیادی از مطالعاتی است که در کشورهای مختلف و از جمله کشور ما در زمینه ماهیت مقوله مشارکت مردم و عوامل و زمینه‌های توسعه و تضعیف آن در مناطق روستایی انجام شده است. با توجه به اینکه ساختار این تحقیق با مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیقات مرتبط با این موضوع تدوین شده است، در این بخش به طور خلاصه به نتایج برخی از مطالعات مرتبط با موضوع مشارکت مردم روستایی و به طور خاص موانع مشارکت مردم به عنوان مسئله اصلی این تحقیق اشاره می‌شود.

براساس یافته علوی تبار (۱۳۸۲)، از مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت روستائیان در اجرای طرح‌های عمرانی، مشکل اقتصادی روستائیان و عدم وجود تشکیلات مناسب برای مشارکت روستائیان می‌باشد. جذب مشارکت‌های مردمی در طرح‌های عمرانی به خصوص طرح‌های روستایی، بستگی زیاد به امکانات و توانایی‌های اقتصادی مردم دارد. در اکثر روستاهای ایران به لحاظ پایین بودن سطح درآمد و محدودیت منابع مالی، روستائیان قادر قدرت و توانایی برای مشارکت مؤثر هستند. در روستاهایی که از نظر اقتصادی و امکانات

(۱۳۹۱)، اجرای طرح‌های عمران روستایی باعث امیدواری روستائیان به سکونت در روستا شده و به لحاظ خدمات رسانی نیز موفق ارزیابی می‌شود. این در حالی است که این طرح‌ها به لحاظ زیست محیطی و جلب مشارکت مردم چندان توفیقی حاصل ننموده‌اند و به دلیل اشکالات موجود در فرایند تهیه و اجرای طرح‌ها، مردم و دست اندرکاران امر خواستار بازنگری در این فرایند هستند. در پژوهش زارعی (۱۳۸۸)، با هدف بررسی فرایند طرح‌هادی روستایی، مشخص شد که اصلی‌ترین مشکل در روند اجرای طرح‌هادی روستایی، نبود یک نظام منسجم فکری و یک مفهوم مشخص از طرح در گستره معناشناصی و نیز عدم مشارکت روستائیان در مراحل مختلف طراحی و اجرای این طرح می‌باشد. براساس یافته گانوترا (۱۳۷۹)، از جمله عوامل مؤثر در عدم مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی، نبود نظام تصمیم‌گیری دموکراتیک می‌باشد. نظام برنامه‌ریزی چه در سطح ملی و منطقه‌ای یا محلی رابطه مستقیمی با نظام حکومتی و اداری و تصمیم‌گیری کلان در مرکز دارد. بنابراین شرط مشارکت در محیط‌روستایی وجود یک نظام دموکراتیک و آزادی در تصمیم‌گیری است. براساس یافته‌های کلانتری و خواجه‌شاهکوهی (۱۳۸۱)، مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی را باید در تخریب منازل و تعریض معابر، عدم مشارکت مردم، کمبود وام جهت پرداخت به واحدهای خسارت دیده، طولانی شدن زمان اجرای طرح، بی‌توجهی به نیاز روستائیان، نیمه تمام رها شدن کارها و مشکل مدیریت در اجرا دانست. شارع پور (۱۳۷۲)، در مطالعه‌ای مشابه به مواردی نظیر عدم شناسایی نیازهای روستائیان در فرایند طراحی و اجرای طرح‌هادی، به درازا کشیدن مدت اجرا، محدود شدن مشارکت مردم به کمک مالی و ناهمانگی بین افراد دست‌اندرکار طرح در هنگام اجرا

به عنوان مهم‌ترین مشکلات و موانع پیشبرد این طرح‌ها اشاره می‌نماید. براساس یافته پژوهش زارعی (۱۳۸۸)، کمبود سرمایه انسانی در اهالی محدوده طرح‌هادی مهم‌ترین عامل مؤثر در عدم مشارکت روستائیان در طرح‌هادی می‌باشد. در پژوهش افتخاری (۱۳۸۶)، وابستگی مردم به قدرت محلی و دولتی به عنوان یکی از دلایل عدم مشارکت روستائیان در اجرای طرح‌های عمرانی معرفی شده است. در بسیاری از کشورهای جهان سوم و به‌ویژه کشور ما، روستائیان نسل در نسل به‌طور عمده به گروه‌های برگزیده جامعه، رہبران محلی و دولتی یا در جوامع ایرانی به ارباب روستایی که خود نماینده دولت در روستا بوده است، وابسته بوده‌اند. در نتیجه بسیاری از جوامع به‌دلیل فقدان اتكا به نفس و از سویی نداشتن تجربه در تصمیم‌گیری و اعمال نظر در برنامه‌های مربوط به روستا، از روند تصمیم‌گیری و اجرای این برنامه‌ها دور مانده و به‌همین ترتیب از ظرفیت، توانایی و انگیزه لازم برای مشارکت در فعالیت‌ها و پژوهه‌های توسعه روستایی برخوردار نیستند.

براساس یافته‌های پژوهش محمودیان (۱۳۶۹)، از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در عدم حضور و مشارکت مردم در طرح‌های روستایی کمبود سرمایه اجتماعی است، سرمایه اجتماعی را به ارتباط انسان‌ها با یکدیگر که توأم با اعتماد باشد و نیز در قالب تشکیلات محقق شود تعریف کرده‌اند. مردم ساکن در روستا اولاً ارتباط زیادی با مجریان و دست‌اندرکاران طرح ندارند، لذا نسبت به ایشان اعتماد لازم را نداشته و در عمل سازمان تشکیلاتی خاصی نیز برای این ارتباط طراحی نشده است. با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که هدایت و توسعه جریان مشارکت مردم در فرایند برنامه‌های توسعه روستاهای نیازمند اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها در سطوح خرد و کلان و نیز

توسعه روستایی در دانشگاه بوعلی سینا بررسی و با نظرت اصلاحی آن ها پرسشنامه نهایی تهیه شد. سنجش میزان پایایی گویه های پرسشنامه نیز به شیوه محاسبه ضریب آلفای کرونباخ انجام شد که ضریب به دست آمده برای گویه های مربوط با موانع مشارکت در حد ۰/۸۵ بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها نیز از آماره های توصیفی نظری فراوانی، درصد، انحراف معیار و واریانس و تکنیک تحلیل عاملی به منظور دستیابی به موانع کلیدی مشارکت مردم در طرح های هادی روستایی استفاده شد.

#### نتایج و بحث

#### ویژگی های فردی پاسخگویان

با توجه به یافته های تحقیق، میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۳ سال با انحراف معیار ۱۱ سال بود. در حدود ۶۵ درصد از پاسخگویان مرد بودند. از نظر سطح سواد، بیشترین فراوانی ۲۵/۸ (درصد) به افراد دارای سطح سواد در حد دبیرستان داشت و مابقی افراد عمدتاً در حد پایین تر از دبیرستان سواد داشتند.

#### نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح های

#### عمران روستایی

به منظور بررسی نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح های عمران روستایی از ۱۹ گویه با طیف پنج گزینه ای لیکرت استفاده شد. در جدول شماره ۱، که برگرفته از سوالات مطرح شده در پرسشنامه تحقیق است، ملاحظه می شود، گویه "نظرارت دولت بر طرح های عمرانی، مانع تمایل مردم به مشارکت در این طرح ها است" با کمترین ضریب تغییرات (۰/۳۷۹) دارای بیشترین اهمیت بوده و در اولویت اول قرار گرفته است. همچنین گویه های "مردم تمایلی به اشتراک فکر و ایده خود در قالب مشارکت در طرح ها ندارند" و "مردم به سبب ضعف روحیه کار جمعی، تمایلی به مشارکت در طرح های عمرانی ندارند"، به ترتیب در اولویت های دوم و سوم اهمیت قرار دارند.

مدخله گری هدفمند و مؤثر سازمان ها و نهادهای ذیربط برای زمینه سازی و ظرفیت سازی مناسب برای جلب مشارکت و بهره گیری از توانمندی های گروه های مختلف مردمی می باشد. بر همین اساس در این تحقیق سعی شده است با نوعی کل نگری به بررسی و تحلیل مهم ترین موانع تأثیرگذار بر مشارکت روستائیان در طرح های هادی در مناطق روستایی شهرستان همدان پرداخته شود.

#### روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مهم ترین موانع مشارکت روستائیان در طرح هادی روستایی در سال ۱۳۹۳ به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را روستائیان ساکن در روستاهای بخش مرکزی شهرستان همدان که در آن ها طرح هادی به مرحله اجرا در آمده است، تشکیل دادند. از بین آن ها تعداد ۱۲۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه و به شیوه انتساب مناسب، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. داده های مورد نیاز از طریق پرسشنامه ای محقق ساخته جمع آوری شده است. با توجه به اینکه در این تحقیق نیاز به برخی داده ها و اطلاعات در مورد وضعیت نگرش، انگیزه و دلایل مشارکت افراد در طرح های هادی وجود داشت و به طور معمول گردآوری اینگونه داده ها به شیوه هایی نظری مشاهده و مصاحبه به راحتی امکان پذیر و قابل سازماندهی نبود، لذا از پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی تحقیق استفاده شد. سوالات پرسشنامه بر مبنای مطالعات نظری و مرور پیش نگاشته های مرتبط با موضوع و مشتمل بر گویه هایی برای سنجش نگرش مردم نسبت به مشارکت در طرح های عمرانی و گویه های مربوط به موانع و بازدارنده های مشارکت مردم تدوین شد. روایی ابزار تحقیق با استفاده از نظرات بیش از ده نفر از کارشناسان با تجربه در امور عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان و شش نفر از محققان و اعضای هیئت علمی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	نگرش روستاییان نسبت به مشارکت در طرح‌های عمران روستایی
۱	۰/۳۷۹	۱/۱۰۰۲	۲/۶۴	نظرارت دولت بر طرح‌های عمرانی، مانع تمایل مردم به مشارکت در این طرح‌ها است.
۲	۰/۳۸۲	۱/۱۲۹	۲/۹۵	مردم تمایلی به اشتراک فکر و ایده خود در قالب مشارکت در طرح‌ها ندارند.
۳	۰/۴۰۹	۱/۱۳۰	۲/۷۶	مردم به سبب ضعف روحیه کار جمعی، تمایلی به مشارکت در طرح‌های عمرانی ندارند.
۴	۰/۴۱۷	۱/۲۹۰	۳/۰۹	اجرای طرح هادی وظیفه دولت بوده و بنابراین نیازی به مشارکت مردم نیست.
۵	۰/۴۲۰	۰/۸۲۴	۱/۹۶	حتمایت دولت، مهم‌ترین عامل تمایل مردم به مشارکت است.
۶	۰/۴۳۱	۱/۱۷۴	۲/۷۲	وجود برخی قوانین مانع تمایل مردم روستا به مشارکت در طرح‌های عمرانی می‌باشد.
۷	۰/۴۵۳	۱/۱۳۰	۲/۴۹	دولت شرایطی را فراهم می‌آورد تا مردم در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند.
۸	۰/۴۵۸	۱/۹۱۷	۲/۰۰	مشارکت موجب استفاده بهینه از امکانات مادی و غیر مادی و منابع در روستا می‌شود.
۹	۰/۴۷۱۴	۱/۱۸۸	۲/۵۲	مشارکت مردم در طرح‌ها از سوی مسئولین چندان جدی و با اهمیت تلقی نمی‌شود.
۱۰	۰/۴۷۱۸	۱/۱۲۳	۲/۳۸	به دلیل مشخص نبودن راههای مشارکت، اگر فرصتی در این زمینه فراهم شود که به نفع مردم باشد، اختلال و بی‌نظمی در میان مردم ایجاد می‌شود.
۱۱	۰/۴۷۴	۰/۹۰۷	۱/۹۱	مشارکت در طرح‌ها باعث ایجاد حس مسئولیت بیشتر در افراد می‌شود.
۱۲	۰/۴۷۵	۱/۱۰۹	۲/۱۲	مشارکت موجب حضور فعال‌تر دولت در جهت ارائه امکانات و خدمات بیشتر می‌شود.
۱۳	۰/۴۹۲	۱/۱۵۷	۲/۳۵	افراد دارای دانش، تمایل چندانی به مشارکت در طرح‌های عمرانی دولت ندارند.
۱۴	۰/۵۰۸۲	۱/۲۳۵	۲/۴۳	مشارکت در طرح‌های عمرانی سبب افزایش اطلاعات مردم به ظرفیت روستا می‌شود.
۱۵	۰/۵۰۸۳	۱/۳۹۳	۲/۷۴	فعالیت‌های عمرانی که اجرا می‌شود برای همه مردم (فقیر و غنی) یکسان است.
۱۶	۰/۵۲۱	۱/۰۵۳	۲/۰۲	با مشارکت در فعالیت‌های روستا می‌توان احترام و موقعیت بهتری کسب کرد.
۱۷	۰/۵۲۲	۰/۹۴۰	۱/۸۰	همفکری و همکاری افراد در روستا موجب افزایش توانمندی‌های آن‌ها خواهد شد.
۱۸	۰/۵۶۲	۰/۹۰۷	۱/۷۲	مشارکت و همکاری موجب آسان شدن کارها می‌شود
۱۹	۰/۵۲۷	۱/۲۹۴	۲/۳۰	مشارکت در امور روستا، امکان اصلاح امور و خدمت بیشتر به مردم فراهم می‌شود.

ج ۱. توزیع فراوانی نگرش روستاییان نسبت به مشارکت در طرح‌های عمران روستایی.

\* مقیاس: خیلی کم: ۱ کم: ۲ تا حدودی: ۳ زیاد: ۴ خیلی زیاد: ۵

نسبت به مشارکت در طرح هادی در جهت مثبت بوده و می توان گفت بیش از نیمی از افراد نگرش مساعد و نسبتاً مساعد دارند، به عبارتی نوعی تمایل و نگرش نسبت به مشارکت در بین مردم وجود دارد که طبیعی است بهره‌گیری از این ظرفیت نیازمند برنامه‌ریزی و تلاش برای تقویت آن از طریق فعالیت‌های فرهنگ‌ساز می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش عزیزی و همکاران (۱۳۹۱) و حسینی (۱۳۸۷)، هم خوانه دارد.

نگرش	فراؤانی	درصد	درصد تجمعی
نامساعد	۱۸	۱۵	۱۵
نسبتاً نامساعد	۳۸	۳۱/۷	۴۶/۷
نسبتاً مساعد	۴۴	۳۹/۷	۸۳/۳
مساعد	۲۰	۱۶/۷	۱۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰	

ج. ۲. توزیع فراوانی نگرش روستاییان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستایی.

# عوامل مؤثر بر نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی

بهمنظور شناسایی عوامل مؤثر بر وضعیت نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح‌های هادی روستایی، از ضرایب همبستگی استفاده شد که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین سن و وضعیت نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی وجود ندارد. همچنین بین نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی و جنسیت و میزان تحصیلات نیز رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی وضعیت نگرش مردم نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی تحت تأثیر متغیرهایی نظیر سن، جنس و سطح تحصیلات مردم نمی‌باشد. این یافته با نتایج رومری (۲۰۰۲)، هم خوانی دارد.

به منظور توصیف متغیر نگرش روستائیان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستایی از روش "فاسله انحراف معیار از میانگین" استفاده شده است. همان‌طور که از روابط زیر پیداست با استفاده از پارامترهای میانگین و انحراف معیار، نگرش روستائیان نسبت به مشارکت در طرح هادی روستایی در قالب چهار طبقه ضعیف، متوسط، خوب و عالی دسته‌بندی شده است. با توجه به جدول شماره ۲ نگرش روستائیان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستایی به دست آمده است. در این روش، تبدیل امتیازهای به دست آمده، به چهار سطح به شرح زیر برآورد شده است:

A < Mean – St.d

Mean – St.d < B < Mean

Mean < C < Mean + St.d

D > Mean + St.d

نگرش نامساعد A:

B: نسبتاً نامساعد

مساعد نسبتاً نگرش C:

D: نگرش مساعد

## میانگین نگاشت افاده: Mean

انحراف معيار نگاشت، افراد St.d

بنابراین، افرادی که نمره کمتر از ۳۹/۵ کسب کرده‌اند، دارای نگرش نامساعد، افراد با نمره ۴۷-۳۹/۵ دارای نگرش نسبتاً نامساعد، افراد با نمره ۵۴/۵-۴۷ دارای نگرش نسبتاً مساعد و افراد با نمره ۶۶-۵۴/۵ دارای نگرش مساعد نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی می‌باشند. با توجه به داده‌های جدول شماره ۲ از آن‌جا که بیشترین فراوانی (۳۶/۷ درصد) مربوط به گروه سوم (۵۴/۵-۴۷) است، بنابراین نگرش روستائیان نسبت به مشارکت مردم در طرح هادی روستائی نسبتاً مساعد می‌باشد، علاوه بر این، نگرش ۱۱/۷ درصد از افراد مورد مطالعه در این پژوهش مساعد می‌باشد. لذا نتایج حاکی از آن است که نگرش بیش از نیمی از مردم (۵۳/۴ درصد)

## گروه‌بندی موانع پیش روی مشارکت مردم در طرح هادی روستایی

به منظور دسته‌بندی گویی‌های تحقیق در قالب موانع پیش روی مشارکت و همکاری مردم در طرح هادی روستایی و تعیین سهم هر یک، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از این تکنیک مناسب بوده ( $KMO=0.747$ ) و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنادار است. در این بررسی چهار عامل استخراج شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ به همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوطه ارائه شده است.

ویژه ۵/۴۲۵) بیشترین سهم و عامل چهارم کمترین سهم را در تبیین واریانس متغیرها داشته و در مجموع چهار عامل مذکور ۴۲/۳ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌نمایند. برای چرخش عاملی از روش وریماکس استفاده شده که در جدول شماره ۳ نتایج آن آورده شده است.

فرآینی تجمعی درصد واریانس	درصد واریانس مقدار ویژه	مقدار ویژه درصد واریانس	عامل
۱۵/۹۵	۱۵/۹۵	۵/۴۲	عامل اول
۲۴/۹۹	۹/۰۴	۳/۰۷	عامل دوم
۳۴/۰۱	۹/۰۲	۳/۰۶	عامل سوم
۴۲/۳	۸/۲۹	۲/۸۱	عامل چهارم

### ج ۳. عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که عامل اول (با مقدار

باراعملی	متغیرها	عامل
۰/۵۹۰	عدم وجود برنامه‌هایی از سوی مجریان برای معرفی جزئیات طرح هادی برای مردم	نادیده گرفتن توانایی‌های مردم در زمینه‌های مختلف توسط نهادهای دولتی
۰/۵۸۳	نادیده گرفتن توانایی‌های مردم در زمینه‌های مختلف توسط نهادهای دولتی	
۰/۵۰۳	عدم اعتقاد دولت به اهمیت نظرات مردم در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های عمرانی روستا	
۰/۵۹۱	عدم اعتقاد و باور دولتمردان به توانمندی و مشارکت مردم	
۰/۶۰۵	کم ارزش دانسته شدن نقش و همکاری مردم در اجرای طرح‌های توسعه روستایی نظیر طرح هادی	
۰/۶۲۶	عدم انجام نیازمندی‌های دقیق از مردم در مورد طرح‌های روستایی	
۰/۵۹۴	عدم وجود انگیزه کافی در مردم برای مشارکت و همکاری در طرح‌های توسعه و عمران روستاهای	ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه در مردم
۰/۵۹۹	عدم آگاهی کافی مردم در مورد اهداف و برنامه‌های سازمان‌های دولتی و بهبود ویژه طرح هادی	
۰/۶۱۷	عدم تمایل مردم به همکاری در اجرای طرح‌ها بهدلیل وجود مشغله فراوان و نداشتن وقت کافی	
۰/۶۳۰	تجربه و تخصص کم افراد برای انجام برخی از فعالیت‌ها و مراحل طرح هادی	
۰/۶۲۲	عدم مشارکت برخی از مردم بهدلیل باور نداشتن به توانایی‌های خود برای همکاری در اجرای طرح‌ها	
۰/۵۸۸	عدم احساس مسئولیت برخی از افراد برای همکاری و مشارکت در طرح‌های عمرانی	
۰/۵۵۱	عدم مشارکت مردم بهدلیل پایین بودن سطح سواد و تحصیلات آن‌ها	ضعف عملکرد نهادهای مجری
۰/۶۰۷	اتلاف وقت و سردرگمی ناشی از مشارکت و همکاری مردم در طرح‌های قبلی	
۰/۵۸۸	عدم مشارکت مردم بهدلیل ناشانته بودن اهمیت اجرای طرح هادی برای مردم روستا	
۰/۵۸۹	ناهمانگی و عدم همکاری نهادهای دولتی و خصوصی برای اجرای طرح هادی	
۰/۵۷۸	طولاً نشان زمان اجرای طرح هادی	
۰/۵۹۰	عدم تمایل مردم به مشارکت، بهدلیل عملکرد نامناسب مستولین طرح هادی در تکمیل به موقع کارها	
۰/۵۳۷	نقص در شیوه تهیه و اجرای طرح هادی توسط بنیاد مسکن	نارضایتی از طرح
۰/۵۳۴	عدم توجه مأمورین و کارشناسان دولتی به علاقه و ارزش‌ها و آداب و رسوم مردم	
۰/۶۱۹	نبود همبستگی و یکپارچگی بین مردم بهدلیل وجود اختلافات محلی	
۰/۵۹۹	عدم رضایت مردم روستا از طرح‌های اجراشده قبلی	
۰/۵۳۸	عدم تطبیق طرح هادی با نیازهای واقعی مردم روستا	

ج ۴. متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به دست آمده از ماتریس چرخش یافته. مأخذ: نتایج تحقیق.

در بین عوامل بازدارنده مشارکت مردم، این عامل سهم بیشتری دارد. با دقت در ماهیت این عامل به عنوان یک بازدارنده می‌توان به این واقعیت دست یافته که نادیده انجگاشتن ظرفیت‌های مردمی علاوه بر اینکه نهادهای مجری را از توانایی‌های مردمی محروم می‌نماید، به مرور با ایجاد فاصله بین مردم و نهادهای مجری، زمینه‌ها و ظرفیت‌های مشارکت مردم نیز از بین خواهد رفت. این عامل بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس کل متغیرها داشته و در مجموع حدود ۱۶ درصد از کل واریانس متغیرها را به خود اختصاص داده است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات لاروک (۲۰۰۸)، داونز (۲۰۰۶)، جعفری (۱۳۸۸)، پاترینوس (۲۰۱۰) و سلینگر (۲۰۰۹) مبنی بر نقش تعیین‌کننده باور و اعتماد مجریان به توافقنامه‌های مردم به عنوان عاملی در جلب مشارکت آن‌ها هم خوانی دارد.

عامل دوم- ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه در مردم: دقت در ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده عامل دوم نشان می دهد که بخشی از بازدارنده های مشارکت مردم در طرح های هادی روستایی را باید در میزان توانایی، آگاهی و انگیزه های مردم روستا جستجو نمود. عدم وجود انگیزه کافی در مردم برای مشارکت در طرح های توسعه و عمران روستاهای، عدم آگاهی کافی مردم در مورد اهداف و برنامه های سازمان های دولتی و به ویژه طرح های، عدم تمایل مردم به همکاری در اجرای طرح های به دلیل وجود مشغله فراوان، تجربه و تخصص کم افراد برای انجام برخی از فعالیت ها، عدم باور مردم به توانایی های خود برای همکاری در اجرای طرح های، عدم احساس مسئولیت برخی از افراد برای همکاری و مشارکت در طرح های عمرانی و نیز عدم مشارکت مردم به دلیل پایین بودن سطح سواد و تحصیلات از جمله مواردی است که در دسته دوم عوامل جای گرفته اند. با توجه به ماهیت متغیرهای

همانگونه که در جدول شماره ۴ (که برگرفته از سوالات مطرح شده در پرسشنامه میباشد)، مشاهده میشود، پس از انجام تحلیل عاملی، مجموعه گویههای مربوط به موانع و بازدارندههای مشارکت مردم در طرحهای هادی در چهار دسته عامل خلاصه شد که بر مبنای ماهیت متغیرهای قرار گرفته در هر دسته عوامل، اقدام به نامگذاری عاملها شد. در ادامه به تشرییح هر یک از عوامل اصلی و متغیرهای تشکیل دهنده آنها پرداخته میشود:

عامل اول- نادیده گرفتن توانمندی های مردم: همان طور که در متغیرهای تشکیل دهنده عامل اول دیده می شود، عدم اعتماد و اعتقاد دولت و نهادهای مجری به توانمندی های مردم و نیز عدم باور به ظرفیت های مردمی یکی از عواملی است که می تواند در جلب مشارکت مردم به عنوان عاملی بازدارنده عمل نماید. بررسی متغیرهای تشکیل دهنده این عامل نشان می دهد که از دیدگاه مردم، عواملی نظیر عدم وجود برنامه هایی از سوی نهادهای مجری برای معرفی جزئیات طرح هادی برای مردم، نادیده گرفتن توانایی های مردم در زمینه های مختلف توسط نهادهای دولتی، عدم اعتقاد دولت به اهمیت نظرات مردم در تصمیم گیری و اجرای طرح های عمرانی رosta، عدم اعتقاد و باور دولتمردان به توانمندی و مشارکت مردم و نیز کم ارزش دانسته شدن نقش و همکاری مردم در اجرای طرح های توسعه روستایی از جمله مهم ترین مواردی است که به عنوان بازدارنده های مشارکت مردم تأثیرگذار هستند. دقت در ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده این عامل، حکایت از وجود نوعی بی اعتمایی و بی اعتمادی به توانمندی ها و ظرفیت های مردمی به عنوان یک عامل بازدارنده دارد که بر همین اساس عامل اول را می توان «نادیده گرفتن توانمندی های مردم» نام نهاد.

مقدار ویژه این عامل و نیز میزان سهم آن در تبیین واریانس، کار متغیرها (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که

تشکیل دهنده این عامل، از این عامل با عنوان «ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه مردم» یاد شده است.

با دقیقت در نوع متغیرهای تشکیل دهنده عامل‌های اول و دوم می‌توان دریافت که اساساً عامل‌های اول و دوم ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته و چه بسا توانایی اثرگذاری بر روی یکدیگر را نیز داشته باشند. همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشخص شده است عامل دوم در مقایسه با عامل اول، نقش کمتری در تبیین واریانس متغیرهای مربوط به بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی دارد. این موضوع بیانگر این واقعیت است که پاسخگویان، تأثیر بازدارنده‌گی عامل «ضعف در توانایی، آگاهی و انگیزه مردم‌روستا» را در مقایسه با «نادیده انگاشتن این توانمندی از سوی مجریان» کمتر دانسته‌اند. به عبارتی اگر چه ممکن است بخشی از عدم مشارکت مردم به دلیل ضعف در توانایی، آگاهی و انگیزه مردم روستا برای مشارکت باشد ولی عامل بازدارنده مهم‌تر از این عامل، نادیده انگاشتن توانمندی‌های مردم از سوی مجریان و مسئولین نهادهای دولتی می‌باشد. در این مورد نتایج به دست آمده با نتایج تحقیقات زارعی (۱۳۸۸) و پاترینوس (۲۰۱۰) هم خوانی دارد.

عامل سوم - ضعف عملکرد نهادهای مجری: چنان‌چه در جدول شماره ۴ آمده است، متغیرهایی که در مجموع این عامل را ساخته‌اند عبارتند از: عدم مشارکت مردم به دلیل ناشناخته بودن اهمیت اجرای طرح هادی برای روستا، ناهمراهگی و عدم همکاری ارگان‌های دولتی و خصوصی برای اجرای طرح هادی، طولانی شدن زمان اجرای طرح هادی، عدم تمايل مردم به مشارکت به دلیل عملکرد نامناسب مسئولین طرح هادی در تکمیل به موقع کارها، و نقص در شیوه تهیه و اجرای طرح هادی توسط بنیاد مسکن، دقت در ماهیت این متغیرها نشان می‌دهد که این متغیرها عمده‌تاً به عملکرد نهادهای مجری مربوط

بوده و نمایانگر ضعف در عملکرد نهاد مجری طرح هادی به عنوان یک عامل بازدارنده مشارکت مردم در فرایند اجرای طرح هادی می‌باشد. همان‌گونه که اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، سهم این عامل در تبیین واریانس تغییرات موافعه موردن بررسی به اندازه عامل دوم یعنی ضعف در آگاهی، توانایی و انگیزه مردم می‌باشد. بر مبنای این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که به رغم باور رایج در برخی اذهان مبنی بر تأثیر زیاد ناگاهی، ناتوانی و بی‌انگیزگی مردم در مقایسه با سایر موافعه، سهم این عامل به عنوان یک بازدارنده در حد و اندازه عملکرد ضعیف نهادهای مجری بوده و بر این اساس می‌توان گفت نهادهای مجری، زمینه‌سازی برای جلب مشارکت مردم را باید از درون خود شروع نموده و با اصلاح نقاط ضعف و تقویت عملکرد خود، زمینه را برای جلب مشارکت مؤثر مردم فراهم سازند. نتیجه به دست آمده در مورد این عامل بازدارنده نیز با نتایج مطالعات زارعی (۱۳۸۸)، لاروک (۲۰۰۸)، محمودیان (۱۳۶۹) هم خوانی دارد.

عامل چهارم - نارضایتی از طرح: متغیرهایی که در مجموع این عامل را ساخته‌اند، عبارتند از: عدم توجه مأمورین و کارشناسان دولتی به علایق و ارزش‌ها و آداب و رسوم مردم، نبود همبستگی و یکپارچگی بین مردم به دلیل وجود اختلافات محلی، عدم تطابق طرح هادی با نیازهای واقعی مردم روستا. دقت در ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده این عامل نشان می‌دهد که نارضایتی مردم از طرح می‌تواند به دلایل متعددی از جمله عدم توجه به علایق و ارزش‌های مردم، ناصحیح بودن طرح‌های اجرا شده قبلی از دید مردم و عدم تطابق طرح با نیازهای مردم بروز یابد. بدین ترتیب می‌توان گفت رضایت مردم نیز تابع متغیرهای گوناگونی است که شناسایی آن برای

عوامل و ظرفیت‌های محیط پیرامون و برخی نیز به ویژگی‌ها و عوامل درونی مشارکت‌کنندگان نسبت داد.

بررسی عامل‌های اصلی حاصل از تحلیل عاملی بازدارنده‌های مشارکت مردمی گویای آن است که موانع جلب مشارکت مردم در طرح‌های هادی در مناطق روستایی شهرستان همدان را می‌توان در چهار دسته کلی شامل «نادیده گرفتن توانمندی مردم»، «ضعف در آگاهی، توانایی و انگیزه مردم»، «ضعف عملکرد نهاد مجری طرح» و «نارضایتی مردم از طرح» تقسیم‌بندی نمود.

با دقت در ماهیت عامل‌های اصلی مشخص شده بر مبنای نتایج تحلیل عاملی، می‌توان به چند نتیجه‌گیری کلی دست یافت. نخست اینکه نگاه تک بعدی به عوامل و زمینه‌های مشارکت و همچنین بازدارنده‌های مشارکت مردمی، بخش زیادی از واقعیات مربوط به زمینه‌ها و ظرفیت‌های مشارکت مردمی را از بین برده و طبیعتاً مجریان و برنامه‌ریزان برنامه‌های توسعه را نیز در تدارک زمینه‌های جلب مشارکت مردم یاریگر نخواهد بود. وضعیت چهار عامل بازدارنده اصلی در این تحقیق و نیز ارتباط نسبی این عوامل با یکدیگر به نوعی مؤید این موضوع است که چنانچه نهادهای مجری طرح‌های توسعه‌ای، صرفاً به ایجاد و توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردمی از طریق ارتقای سطح دانش، توانایی و انگیزه‌های مردم تلاش نموده و عملکرد مجموعه نهادی خود را اصلاح ننمایند نمی‌توان به تأثیر ارتقای توانمندی مردم به عنوان عاملی برای جلب مشارکت مردم امیدوار بود.

نکته مهم و قابل تأمل دیگر در نتایج این تحقیق، ارتباط نزدیک و بعض‌اً متقابل بازدارنده‌ها در فرایند جلب مشارکت مردم در طرح‌های هادی روستایی است. به گونه‌ای که «نادیده انگاشتن توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردمی از سوی نهادهای دولتی» به عنوان یک عامل

مجریان طرح‌های توسعه‌ای واجد اهمیت است. نکته قابل تأمل دیگر، تأثیرپذیری این عامل از عامل سوم می‌باشد. به عبارتی عملکرد ضعیف نهادهای مجری می‌تواند نارضایتی را در مردم ایجاد و در مواردی تشید نماید که این موضوع نیز بایستی مورد توجه مجریان قرار گیرد.

دقت در اطلاعات جدول ۳ نمایانگر این واقعیت است که تأثیر نارضایتی مردم به عنوان یک بازدارنده در مقایسه با سایر بازدارنده‌ها کمتر بوده و سهم کمتری از تغییرات واریانس بازدارنده‌ها توسط این عامل تبیین می‌شود. این موضوع شاید حکایت از رضایت نسبی مردم از طرح هادی و به تبع آن توجه کمتر به این عامل به عنوان یک بازدارنده برای جلب مشارکت مردم داشته باشد. نارضایتی مردم از طرح‌های اجرا شده و نیز عدم انطباق نیازها و انتظارات مردم با اهداف و ویژگی‌های طرح به عنوان یک بازدارنده، موضوعی است که در برخی تحقیقات قبلی نظری تحقیق ویلسون و چارلتون (۱۹۹۷)، کامرون و لارت (۲۰۰۳)، گاسیور و تاول (۲۰۰۲)، نیز به آن اشاره شده است و از این نظر می‌توان نوعی هم‌خوانی را بین نتایج این تحقیق با تحقیقات مذکور یافت.

## نتیجه

با دقت در یافته‌های این تحقیق به ویژه گروه‌بندی بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های هادی، می‌توان چنین استنتاج نمود که در تحلیل بازدارنده‌های مشارکت مؤثر مردم در فرایند برنامه‌ها و طرح‌های عمران روستایی و به‌طور خاص طرح هادی به عنوان طرح مورد بررسی در این تحقیق، باید مجموعه‌ای از زمینه‌ها و ظرفیت‌های متعدد و در عین حال به هم پیوسته‌ای را مد نظر قرار داد. بر مبنای آنچه از مطالعه موانع و بازدارنده‌های مشارکت مردم در طرح‌های برمی‌آید، می‌توان بخشی از بازدارنده‌های مشارکت مردمی را به ضعف یا نبود برخی

بازارنده، به مرور منجر به کاهش و یا زوال توانمندی‌ها و انگیزه‌های مردم به عنوان یک عامل بازدارنده دیگر شده و از سویی ضعف در توانمندی، آگاهی و انگیزه‌های مردم نیز به مرور باور و اعتماد مجریان به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردمی را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب این دو عامل باید به عنوان بازدارنده‌هایی که به مرور توانایی ایجاد اثرات مخرب دیگری را بر روند جلب مشارکت مردم دارند، مورد مذاقه قرار گیرند. البته همانطور که در بخش قبلی تبیین شد تأثیر بازدارنده‌گی «نادیده انگاشتن توانمندی‌های مردم از سوی نهادهای دولتی مجری طرح» به مراتب کمتر از «ضعف آگاهی، توانایی و انگیزه‌های مردمی» است. به عبارتی مردم احساس می‌کنند که مجریان و نهادهای دولتی به آگاهی، توانایی و انگیزه مردم روستا برای مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای و از جمله طرح هادی روستایی اعتماد کافی ندارند. از این یافته‌ها شاید بتوان چنین برداشت نمود که مردم روستا به توانمندی و آگاهی خود برای همکاری و مشارکت در طرح‌های هادی بیشتر از مسئولین اعتماد دارند. با توجه به اینکه مجریان علاوه بر اعتماد و اعتقاد به توانمندی مردم، باید زمینه‌ها و ظرفیت‌های افزایش اعتماد به نفس در مردم را نیز تقویت نماید، ضروری است مجریان به نحو مؤثری اعتماد و باور خود به توانمندی‌های مردم را به مردم نشان دهند. نکته قابل توجه دیگر اینکه مشارکت به عنوان یک ابزار توانمندساز می‌تواند در ارتقای سطح توانمندی مردم و به تبع آن افزایش احساس توانمندی در بین مردم نیز مؤثر واقع شود.

در تقسیم‌بندی عوامل اصلی بازدارنده مشارکت مردم روستا در طرح‌های هادی، «ضعف عملکرد نهاد مجری طرح» نیز به عنوان یک عامل شناسایی شد. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده این عامل می‌توان دریافت که اساساً مردم در برنامه‌ریزی برای مشارکت و

همکاری با نهادهای مجری طرح، عملکرد نهاد مجری در روند اجرای طرح در روستا و حتی سوابق اجرایی این نهاد در سایر مناطق را نیز در نظر گرفته و این عوامل می‌تواند تعیین‌کننده مشارکت یا عدم مشارکت مردم در طرح‌ها باشد. دقت در مقادیر واریانس تبیین شده توسط هر یک از عوامل نشان داد که تأثیر بازدارنده‌گی عملکرد ضعیف یا ناصحیح نهادهای مجری به اندازه ضعف در آگاهی، توانایی و انگیزه مردم بوده و از این حیث می‌توان به اهمیت و نقش بازدارنده ضعف نهادهای اجرایی پس برداش. این موضوع می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که تلاش نهاد مجری برای اصلاح و بهبود عملکرد و فعالیت‌های اجرایی به میزان تلاش برای ارتقای توانمندی‌ها و انگیزه‌های مردم می‌تواند آثار بازدارنده‌گی موانع موجود را برطرف نماید.

عامل بازدارنده چهارم در این تحقیق، نارضایتی مردم از طرح هادی روستایی بود که البته در مقایسه با سایر بازدارنده‌ها سهم کمتری در تبیین واریانس موانع مشارکت مردم داشت. در متغیرهای تشکیل دهنده عامل نارضایتی مردم به عنوان یک بازدارنده مشارکت مشخص شد که عدم توجه مجریان و نهادهای مسئول اجرای طرح به آداب، رسوم و ارزش‌های مردم روستایی و نیز کم توجهی به انطباق برنامه‌ها و طرح‌ها با نیازها و انتظارات مردم روستا می‌تواند موجب بروز نارضایتی مردم از روند اجرای طرح و به تبع آن عدم تمایل به مشارکت و همکاری در مراحل مختلف اجرای طرح شود. از دیگر نکات قابل توجه در نتایج به دست آمده می‌توان به تأثیر عامل «ضعف نهادهای اجرایی» بر عامل «narضایتی مردم» اشاره نمود به گونه‌ای که به مرور ضعف عملکرد نهادهای

مجری، می‌تواند نارضایتی مردم را در پی داشته باشد. در مجموع بر مبنای نتایج تحلیل عاملی موانع مشارکت مردم در طرح‌های هادی می‌توان چنین استنتاج نمود که

- بخش خمام شهرستان رشت). مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، سال بیست و هشتم، صص ۵۵-۴۴.
- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین. (۱۳۸۶)، آموزش و توسعه اطلاعات در جامعه روستایی ایران؛ ماهنامه ترویجی و آموزشی دهیاری‌ها، سال پنجم؛ شماره ۲۴.
- احمدی، مهدیه. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر برنامه کالبدی بر توسعه بهینه سکونتگاه‌های روستایی. اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، تهران ۱۳۸۸. ص ۶.
- بدربی، سیدعلی؛ عبدالرضا رکن الدین افتخاری. (۱۳۸۲)، ارزیابی پایداری: مفهوم و روش، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۷۹، صص ۹-۳۴.
- جعفری، پریوش. (۱۳۸۸). ارائه مدلی برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش ایران. قابل دسترس در سایت سازمان خصوصی‌سازی کشور.
- حسینی، سید جواد. (۱۳۸۷)، طرح مشارکت محله در بازسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده؛ اولین همایش بهسازی و نوسازی فرسوده. مشهد مقدس، ۲۰ و ۲۱ آذرماه.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، انتشارات قومس.
- زارعی، یاسر. (۱۳۸۸). نقدی بر فرایند تهیه طرح هادی روستایی، مسکن و محیط روستا. دوره ۲۸، شماره ۱۲۷، صص ۶۵-۵۶.
- سلیمی، افشن. (۱۳۸۵). طرح هادی روستایی (طرح کالبد روستا). مجله معماری و شهرسازی، دانشگاه تهران. - شارع پور، محمود. (۱۳۷۰)، بررسی اثرات اقتصادی اجتماعی، اجرای طرح‌های بهسازی در روستاهای استان آذربایجان شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۸۲)، مشارکت در اداره امور شهرها (بررسی الگوهای مشارکت شهر و ندان در اداره امور شهرها). سازمان شهرداری‌های کشور، تهران. چاپ های اول و دوم.
- عنابستانی، علی اکبر. (۱۳۹۱). ارزیابی میزان تحقق پذیری طرح‌های هادی روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای خراسان رضوی) ماهنامه علمی- تخصصی- پژوهشی عمران، معماری، شهرسازی. سال ۱۲، شماره ۵۶، صص ۵۳-۴۷.
- علی‌الحسانی، مهران. (۱۳۹۰)، نقش سازمان‌های مردم نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴.

برنامه‌ریزی برای فراهم‌سازی زمینه‌های جلب مشارکت مؤثر مردم در طرح‌های عمران روستایی باید از درون نهادهای مجری و با تلاش برای تقویت دو بعد اساسی در «عملکرد» و «نگرش و رفتار» مجریان آغاز شود بدین ترتیب که با اصلاح و بهبود عملکردها و انطباق طرح‌ها با نیازها و انتظارات مردم به مرور زمینه برای جلب رضایت مردم از طرح فراهم شود و در بعد دیگر نیز باید مجریان، اعتماد و اعتقاد به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مردمی را در رفتار و نگرش خود در مواجهه با جامعه هدف نشان دهن.

یکی از متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق که به نوعی در تمایل مردم به مشارکت در طرح‌های توسعه‌ای نیز مؤثر می‌باشد، وضعیت نگرش مردم نسبت به مشارکت و مزایای مترتب بر آن می‌باشد. در این زمینه بر مبنای یافته‌های تحقیق مشخص شد که روستائیان مورد بررسی در این تحقیق از نگرش نسبتاً مساعدی برای مشارکت در برنامه‌های عمران و توسعه روستایی برخوردار بوده و بر این مبنای توان گفت چنانچه سایر زمینه‌ها برای جلب مشارکت مردم مهیا باشد، نگرش مساعد مردم در این راستا دارای تأثیرگذاری مثبت و مؤثر می‌باشد. به عبارتی با وجود نگرش مساعد در مردم برای مشارکت در طرح‌های عمرانی، فراهم‌سازی سایر شرایط و الزامات برای جلب مشارکت و همکاری مردم آسان‌تر خواهد بود.

## فهرست منابع

- ازکی، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستائیان در نواحی روستایی شهرستان کاشان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶.
- آمار، تیمور؛ صمیمی شارمی، رضا. (۱۳۸۸)، ارزشیابی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی (مطالعه موردی موردی:

- عظیمی، نورالدین؛ جمشیدیان مجاور، مجید. (۱۳۸۴). بررسی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی مطالعه موردی غرب گilan. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، ۱۰.
- عزیزی، نعمت‌ا...؛ جعفری، پریوش؛ فرزاد، ولی‌ا...؛ صنوبری، محمد. (۱۳۹۱). موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پژوهش ایران: مورد کاوی مدارس غیرانتفاعی؛ مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوره ششم؛ سال ۲-۲۰؛ شماره ۱؛ صص ۹۴-۷۵.
- گائوتری، هوئین. (۱۳۷۹)، مشارکت در توسعه. ترجمه هادی غبرایی و داود طبایی. انتشارات روش، تهران. چاپ اول.
- کلانتری، خلیل؛ خواجه شاهکوهی، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان. اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال ۱۰. شماره ۳۸، صص ۱۹۹-۱۸۵.
- محمودیان، حسین. (۱۳۶۹)، بررسی میزان و مدل مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی دهستان پشتکوه شهرستان سمنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، تربیت مدرس.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ سخایی، فاطمه. (۱۳۸۸). مشارکت مردمی و توسعه‌یافتنگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهادوند؛ پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، صص ۱۲۶-۱۱۱.
- نوروزی، امید؛ چیذری، محمد. (۱۳۸۵)، سازه‌های فرهنگی مؤثر در نگرش گندمکاران شهرستان نهادوند پیرامون توسعه آبیاری بارانی، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۲(۲)؛ ۵۹-۷۱.
- Carmen, A. (2003). Factors promoting and obstacle hindering joint working: a systemic review of the research evidence. *Journal of Integrated Care*, 9-17.
- Carmen, A& Lart, R. (2003). Factors promoting and obstacle hindering joint working: a Systematic review of the reseash evidence . *Journal of Integrated Care*, 11, 9-7.
- Downes, A. S. (2006). Best Practices of Public-Private Partnerships on Education And Skills Training in The Caribbean, Sir Arthur Lewis Institute of Social and Economic Studies University of the West Indies, Cave Hill Campus, BARBADOS.
- Larocque, N.(2008). on Public- Private Partnership In Basic Eduacation : An International Review , Cfbt Eduacation Trust . Available At www. Cfbt. com.
- Long, H., Zou, J., Pykett, J. and Li, Y. (2012), Analysis of rural transformation development in